

موسی‌الرضا وحیدی<sup>۱</sup>

بعد از سرنگونی کمونیسم، روسیه میان انتخاب دو راهکار یعنی بازگشت به اصول و ریشه‌های قدیمی اسلاویا روی آوردن به سوی غرب و اتحادیه اروپا مردد بود. دستاورد سالها تجربه مدل اقتصاد سرمایه‌داری، فقر، فساد، جنایت، ایجاد فاصله طبقاتی، فقدان عدالت اجتماعی و عدم امنیت بود. مردم در نتیجه ناکامی‌های مکرر دچار سرخوردگی و یأس گشته، از تحقیر شخصیتی و ملی رنج می‌بردند. در عرصه بین‌المللی نیز بی‌اعتنایی‌های سیستماتیک غرب و به‌خصوص ایالات متحده به منافع ملی این کشور و تلاش برای مهار و تبدیل آن به یک قدرت درجه دوم، خطر تجزیه در آن را افزایش داده و باعث ایجاد تغییرات گسترده‌ای در سیاست داخلی و خارجی آن شد.

پیروزی ولادیمیر پوتین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه و ارتقاء سریع وی در صحنه سیاسی، موجب ایجاد سؤال و فرضیه‌های متعددی در میان ناظران مسایل این کشور در خصوص آینده سیاسی، فرایند اصلاحات و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و امنیتی آن شده است. بعضی از تحلیلگران، پوتین را فردی بی‌هویت و بدون برنامه می‌دانند که برای تداوم قدرت سرمایه‌داران بانفوذ و با حمایت آنها به قدرت رسیده است. اما گروهی دیگر با توجه به تحولات دهه اخیر، پوتین را در رأس و نمایانگر روندی می‌دانند که بر ملی‌گرایی متکی است و به دنبال احیای دوباره قدرت این کشور در عرصه جهانی می‌باشد.

با عنایت به دو دیدگاه فوق سؤال اصلی این مقاله چنین است که با انتخاب پوتین، سیر تحولات این کشور چه سمت و سویی پیدا خواهد کرد؟ سؤال مکمل این

۱. آقای موسی‌الرضا وحیدی کارشناس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

است که پیامدهای انتخاب وی بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور کدام است؟ در پاسخ احتمالی به سؤال اصلی فوق، فرضیه مقاله این است که روسیه به دلیل ناکارآمدی در تجربه مدل اقتصاد سرمایه‌داری، آماده می‌شود تا با اتکاء دوباره به خود و بازگشت به اجرای برنامه‌های متمرکز و تصمیمات طراحی شده، مجدداً احیاء گردد. از نظر سیاسی نیز بی‌اعتنایی‌های سیستمی غرب به منافع جهانی این کشور موجب ایجاد تحول در دیدگاه‌های نخبگان سیاسی و امنیتی و ارتقای مسایل امنیت ملی در سطح مسایل اقتصادی شده است. اکنون زمامداران کرملین سعی دارند با اصلاح وجهه بین‌المللی این کشور و گسترش روابط با قدرتهای مطرح جهانی و منطقه‌ای نسبت به جذب سرمایه‌گذاری، فن‌آوری و بازسازی زیرساختهای اقتصادی و کسب جایگاه گذشته خود در عرصه جهانی اقدام کنند. با توجه به کسب اکثریت کرسی‌های دوما توسط طرفداران دولت و پایان بن‌بست سیاسی و ایدئولوژیک، میزان موفقیت رهبران این کشور در تحقق اهداف فوق بسیار زیاد است. به منظور آزمون فرضیه مذکور، بحث را به پنج گفتار تقسیم می‌کنیم. در گفتار اول سوابق فعالیت‌های پوتین را برای درک بهتر سیاستهای آینده این کشور مرور می‌کنیم. در گفتار دوم به استراتژی و اهداف او می‌پردازیم. در گفتار سوم سیاستهای اقتصادی دولت روسیه و تأثیرات آن را بر روند اصلاحات بررسی می‌کنیم. در گفتار چهارم سیاست خارجی این کشور و در گفتار پنجم چالشهای عمده فراروی روند مذکور بررسی خواهد شد.

### گفتار اول - سوابق فعالیت‌های پوتین

به اذعان ناظران خارجی و داخلی روسیه، ولادیمیر پوتین توانسته است در مدت زمان کوتاهی، بدون کمک گرفتن از کسی یا نزدیک شدن به گروهی اعتماد و احترام روسها را به خود جلب کرده، امید به آینده را دوباره در جامعه احیاء نماید. این ارتقای سریع و کسب محبوبیت بالای مردمی بدون کمترین هزینه سیاسی در تاریخ این کشور کمتر مشاهده شده است. با توجه

به نقش محوری رهبران قدرتمند در تعیین سرنوشت سیاسی این کشور در طول تاریخ، در این گفتار سعی می‌شود جهت ارائه تصویری روشن‌تر از آینده تحولات و نقش محوری پوتین در این زمینه، سوابق فعالیت‌های وی به‌طور خلاصه بررسی شود.

به‌رغم شخصیت گمنام پوتین در ک.گ.ب، می‌توان گفت که وی در اواخر جنگ سرد در چندین عملیات مهم امنیتی شرکت داشته است. او یک جاسوس اقتصادی بود که وظیفه داشت به جریان سرقت تکنولوژی از غرب و به روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دوران پرسترویکا کمک نماید. او اکنون وارد کاخ کرملین شده است؛ در لحظه‌ای حیاتی که سیستم اقتصادی و سیاسی این کشور در حال فروپاشی بود و خطر تجزیه مجدد آن وجود داشت.

## سالهای ک.گ.ب

پوتین در ۱۷ اکتبر ۱۹۵۲ در شهر سن پترزبورگ به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۵ از دانشکده حقوق دانشگاه دولتی این شهر فارغ‌التحصیل<sup>(۱)</sup> و بلافاصله در بخش خارجی ک.گ.ب استخدام شد. او در اوایل دهه هشتاد به خارج اعزام و در شهر درسدن<sup>۱</sup> آلمان مستقر شد. آلمان شرقی مکانی دارای پرستیژ برای ارتقای افسران ک.گ.ب و پایگاه اصلی جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی بود. بعضی از بااهمیت‌ترین پروژه‌های سرویس امنیتی این کشور در دهه ۸۰ به دلیل مقابله با غرب و همچنین محافظت از حکومت نخبگان کمونیست در شرق اروپا بر آلمان شرقی متمرکز شده بود. به همین دلیل پوتین هنگامی که در اروپا مستقر بود؛ خودش را در خطوط اول جنگ سرد احساس می‌کرد.

مأموریت اصلی وی، کنترل دیدگاه‌های سیاسی در آلمان شرقی و همچنین هدایت یک بخش سری به منظور سرقت تکنولوژی از غرب و کمک به سیاست پرسترویکا بود؛ زیرا اقتصاد این کشور به تزریق حجم بالایی از تکنولوژی‌های پیشرفته و جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای

1. Dresden

بازسازی خود نیازمند بود، تا جنگ سرد را نبازد.

### بازگشت به سن پترزبورگ

در سال ۱۹۸۹ پوتین به سن پترزبورگ بازگشت.<sup>(۲)</sup> مأموریت اصلی وی هدایت و کنترل روند پرسترویکا از درون بود. سن پترزبورگ پایگاه و محل اصلی فعالیت نیروهای ضدکمونیست و اصلاح طلب اقتصادی همچون آناتولی چوبایس بود که بعدها در اوایل دوران حکومت بوریس یلتسین نقش عمده‌ای ایفا کردند. برای پوتین این یک موقعیت استثنایی برای کنترل نبض پرسترویکا بود که خود را در مرکز آن احساس می‌کرد. طبق برخی گزارشها او تحت پوشش عناوینی همچون مشاور روابط بین‌الملل در دانشگاه دولتی و مشاور رئیس مجلس نمایندگان، آقای سوبچاک<sup>۱</sup> مشغول به کار شد. روابط نزدیک با او به پوتین اجازه داد تا به راحتی در جنبش اصلاحات نفوذ کند. وقتی در سال ۱۹۹۱ سابچاک به عنوان شهردار انتخاب شد؛ پوتین را به سمت رئیس کمیته دولتی شهر در امور روابط خارجی منصوب کرد. او به پوتین اعتماد زیادی داشت و معتقد بود که وی جاسوس نیست، بلکه شاگرد او است. اما بزودی این شاگرد به یک بازیگر عمده در دولت سن پترزبورگ تبدیل شد. طبق نوشته روزنامه «مسکونیوز» پوتین در سال ۹۱ بین طراحان کودتا در مسکو و دولت اصلاح طلب سن پترزبورگ میانجیگری کرد و مانع ورود نیروهای نظامی به شهر و شورش مردم شد. پوتین در سال ۱۹۹۱ به سمت معاون شهردار انتخاب شد و توانست در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دریافت کمک از بانکهای اروپایی موفق عمل نماید و در مدت کوتاهی ضمن کنترل رسانه‌های گروهی و گروههای بانفوذ از خود شخصیتی اصلاح طلب، سرسخت و فسادناپذیر در افکار عمومی ترسیم نماید.

1. Sobchak

## مأموریت به مسکو

در سال ۱۹۹۶ پوتین به مسکو بازگشت و به سمت معاون اول رئیس بخش اموال و دارایی‌های کرملین منصوب شد.<sup>(۳)</sup> این پست به او اجازه داد تا سرویس امنیتی از منابع دولتی برای انجام عملیات در خارج از کشور استفاده نماید. در مارس ۱۹۹۷ به دستور یلتسین، پوتین به سمت ریاست بخش نظارت‌های مهم در دفتر ریاست جمهوری انتخاب شد که وظیفه آن تضمین اجرای فرمان‌های رئیس جمهور بود. آموخته‌های پوتین در ک.گ.ب به خوبی در این سمت به او کمک کرد. طبق نوشته روزنامه «مسکوتایمز» وی اقدام به تشکیل پرونده در مورد رهبران مناطق و دولتمردان کرملین کرد تا آنها را جهت حمایت از سیاست‌های یلتسین تحت فشار قرار دهد.

در جولای ۱۹۹۸ پوتین به ریاست سرویس امنیت فدرال اف.اس.بی که جایگزین ک.گ.ب شده بود؛ انتخاب شد. او به تدریج متحدان خود را در سمت‌های کلیدی منصوب کرد و با از سرگرفتن فعالیت‌های جاسوسی داخلی، توانست جایگاه خود را در صحنه سیاسی تقویت نماید. در مارس ۱۹۹۹ وی به عنوان دبیر شورای امنیت انتخاب شد تا بین سیاست‌های وزارت دفاع، وزارت کشور و دیگر وزارتخانه‌ها هماهنگی ایجاد نماید. او در زمان جنگ کوزوو، شروع بحران در منطقه قفقاز شمالی و ورود شبه‌نظامیان چچنی به داغستان، ریاست اف.اس.بی را برعهده داشت. یلتسین، پوتین و اف.اس.بی را مأمور کرد تا ضمن کنترل بر روند انتخابات دوما و ریاست جمهوری، پیروزی متحدین کرملین را در انتخابات تضمین کنند. در ۹ اگوست ۱۹۹۹ سرگئی استپاشن<sup>۱</sup> از کار برکنار و پوتین به سمت نخست‌وزیری انتخاب شد؛ تا برای انتخابات ریاست جمهوری آماده شود. طبق نوشته برخی روزنامه‌ها احتمال دارد که پوتین و سرویس امنیتی این کشور از مدیریت یلتسین در اداره امور کشور و مدیریت بحران در منطقه قفقاز شمالی راضی نبوده‌اند، لذا یلتسین را تحت فشار قرار داده‌اند تا پوتین را به سمت نخست‌وزیری

1. Sergei Stepashin

انتخاب نماید. (۴)

## گفتار دوم - استراتژی و اهداف پوتین

قبل از به قدرت رسیدن پوتین، جامعه روسیه در نتیجه ناکامی‌های مکرر دچار سرخوردگی و یأس گشته، از تحقیر شخصی و ملی رنج می‌برد و یلتسین نیز توان رهبری و به حرکت درآوردن مردم را از دست داده بود. در این شرایط به مرد قدرتمندی نیاز بود که نظم، امنیت و پیشرفت را دوباره برقرار سازد. پوتین با توجه به سوابق درخشان، برای این هدف مناسب تشخیص داده شد. لذا کرملین از او برای رسیدن به قدرت حمایت کرد.

اکنون پوتین مصمم شده تا به انحراف و بحران عصر یلتسین پایان داده، شکوه و عظمت گذشته روسیه را احیا کند. او هدف خود را ادغام ارزشهای جهانی اقتصاد بازار و دموکراسی با واقعیت‌های تاریخی این کشور، برقراری نظم و امنیت، مبارزه با فساد و به‌طور کلی کسانی که ثروت‌های شوروی سابق را به بیگما برده و برای نفوذ در ساختارهای قدرت تلاش می‌کنند، اعلام کرده است. (۵) او قول داده تا در راستای برقراری عدالت اجتماعی، گسترش شبکه‌های تأمین اجتماعی و فراهم کردن یک زندگی راحت برای تمام ساکنین مناطق این کشور تلاش کند. (۶)

نگاهی گذرا به اقدامات و سخنرانی‌های پوتین حکایت از آن دارد که او در عرصه‌های داخلی و خارجی، تلفیقی از شیوه‌های دوران اتحاد جماهیر شوروی و روسیه کنونی را مدنظر دارد. به عبارت دیگر، همزمان با اعتقاد به موضوعاتی از جمله، ادامه سیاست اقتصاد بازار و عمل براساس قوانین لیبرال، به دخالت و نظارت بیشتر دولت در اداره امور معتقد است. (۷) ولی باید در نظر داشت که ایده‌ها و روش‌های کمونیستی را تا اندازه‌ای قبول دارد که او را در برقراری یک دولت اقتدارگرا یاری دهد. بنابراین نباید انتظار بازگشت به گذشته را داشت. پوتین دست‌پرورده ک.گ.ب است و بیشتر از هر کس دیگری به ضعف سیستم گذشته آگاهی دارد. مأموریت پوتین و هزاران نفر مثل او در سرویس امنیتی این کشور در طول تاریخ بازسازی ساختارهای سیاسی -

اقتصادی و اجتماعی حفظ و بقای این کشور بوده است.

### الف) ایجاد دولت کارآمد

پوتین یک درس عمده از دوران یلتسین آموخته است. اینکه در سیستم هرج و مرج گونه سیاسی هر چیزی به وقوع می پیوندد، اصلاحات اقتصادی و انجام اصلاحات اقتصادی میسر نمی شود مگر با ایجاد یک ساختار قدرتمند سیاسی که در اتخاذ و اعمال سیاستها و راه کارها موفق عمل کند. لذا یکی از اهداف عمده وی انتقال سیستم سیاسی روسیه به یک سیستم متعادل است و تلاش خواهد کرد تا ضمن تحکیم قدرت خود، دولت کارآمد و مستقلی تشکیل داده، افراد مورد اعتماد را در پستهای کلیدی در کرملین و در نیروهای امنیتی و نظامی قرار دهد و سیستمهای اطلاع رسانی و رسانه های گروهی را تحت کنترل درآورد.<sup>(۸)</sup>

ضعف جسمانی یلتسین، کنترل ضعیف بر دولت و دوری از تصمیمات روزمره به او اجازه نمی داد تا از تمام اختیارات خود استفاده نماید. اما پوتین با برخورداری از پشتوانه قوی مردمی و نیروهای نظامی - امنیتی بعید است که امور مهم را به نخست وزیر واگذار نماید. بنابراین نقش نخست وزیر احتمالاً کاهش خواهد یافت. این امر به رئیس جمهور اجازه می دهد تا به نحو مؤثرتری سیاستگزاری نماید. اما قدرت او ممکن است هنگام بروز اشتباهات در افکار عمومی کاهش یابد و او نتواند از پست نخست وزیری به عنوان یک سپر جهت مصونیت خود استفاده نماید. پوتین قصد دارد با کوچک کردن دولت و کاهش اعضای کابینه از ۶۸ عضو به ۲۵ تا ۳۰ نفر دولت کارآمدتری تشکیل دهد.<sup>(۹)</sup> همانطور که قبلاً نیز پیش بینی شده بود، میکائیل کاسیانوف به سمت نخست وزیری انتخاب شد. او به دلیل تجربه اقتصادی، عدم وابستگی به جناحهای سیاسی و تمایل به کاهش نقش سیاسی نخست وزیر نسبت به دیگران برای پوتین ارجح بود.

ب) مبارزه با الیگارش‌ی<sup>۱</sup>

پوتین بعد از اینکه به سمت کفالت ریاست جمهوری رسید؛ بسیار با احتیاط و هوشمندانه با الیگارش‌ی برخورد کرد. چون هرگونه تندروی می‌توانست برای او گران تمام شود. او توانست با حمایت انحصاری رسانه‌های گروهی که در اختیار آنها بود؛ در انتخابات پیروز شود. اکنون نیز بدون دخالت در اختلافات اِلیت قدرت اقتصادی، قصد دارد با فاصله گرفتن از آنها، نفوذ آنها را محدود کند. بنابه گفته پوتین، در دوره یلتسین، الیگارش‌ی علاوه بر کنترل سرمایه، در ساختارهای قدرت نیز دخالت می‌کرد اما در دوره او تنها باید به بُعد سرمایه بپردازد.<sup>(۱۰)</sup> رئیس‌جمهور جدید روسیه سعی دارد با ایجاد مکانیسم‌های قدرتمند حقوقی، تقویت قانون، مبارزه با فساد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی ضمن کنترل الیگارش‌ی، رفتار آن را نیز عقلانی‌تر سازد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ورود بازیگران جدید به عرصه اقتصادی از قدرت آنها خواهد کاست. برخلاف دهه ۹۰ که سرمایه‌داران این کشور به دلیل مبهم و خطرناک بودن اوضاع اقتصادی، مبادرت به خروج سرمایه از کشور می‌کردند، اکنون نسبت به آینده اقتصادی امیدوارند و ثبات و امنیت نیز به نفع آنها می‌باشد.

ج) مبارزه با افزون‌خواهی‌های مناطق

ساختار نامتقارن فدراسیون روسیه موجب شده است تا دولت مرکزی به راحتی نتواند حاکمیت و اصلاحات مورد نظر خود را در دیگر مناطق اعمال نماید. بعضی از مناطق این کشور از اختیارات و قدرت بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. در دوره یلتسین روابط دولت مرکزی با دیگر مناطق برابر نبود و ثروت به‌طور مساوی بین آنها توزیع نمی‌شد. بسیاری از

۱. الیگارش‌ی، قشری که در دوره یلتسین شکل گرفته است و تمام منابع ثروت و سرخ‌های قدرت را در پشت صحنه در دست دارد. اعضا این قشر تقریباً همان افراد حزب کمونیست سابق و یا وابستگان به آنها هستند که اکنون گروه نخبه‌ای که قدرت را در دست دارد، تشکیل می‌دهند.



مصوبات مجالس قانونگذاری جمهوری‌های خودمختار به خصوص در زمینه حقوق مالکیت، مالیات و مقررات گمرکی با قوانین دولت فدرال در تعارض بود. در هنگام نخست‌وزیری پریماکف، موضوع اصلاح روابط دولت مرکزی با مناطق مطرح گشت و پیشنهاد شد تا با ادغام و کاهش تعداد مناطق و انتصاب رهبران آنها به‌طور مستقیم توسط مرکز، کنترل دولت فدرال افزایش یابد. با انتخاب پوتین دوباره این موضوع مطرح شده است.<sup>(۱۱)</sup>

به‌طور کلی دو دیدگاه در این خصوص مطرح است. گروهی خواهان کاهش تعداد مناطق از طریق ادغام آنها و حذف سیستم انتخابی می‌باشند و گروه دیگر خواستار اعطای خودمختاری بیشتر به آنها هستند. رئیس جمهور جدید روسیه راه‌حل میانه‌ای را انتخاب کرده است. او ضمن تأکید بر تداوم سیستم انتخابی رهبران مناطق، با خودمختاری و استقلال بیشتر آنها مخالف است. او طی صدور فرمانی این کشور را به هفت منطقه بزرگ تقسیم کرد که هر منطقه را یک نماینده رئیس جمهور کنترل خواهد کرد.<sup>(۱۲)</sup> اگرچه اعلام شده که این فرمان به منزله ایجاد محدودیت برای رهبران مناطق نیست اما در هر حال اجرای آن ابزار مناسبی است تا دولت مرکزی کنترل اهرمهای اقتصادی، قوانین گمرکی، مالیاتی، پلیس و سرویس‌های امنیتی مناطق خودمختار و جمهوری‌ها را در اختیار بگیرد. در حقیقت هدف او اتخاذ قواعد مشترک در کل سرزمین روسیه بدون تحریک رهبران این مناطق است.

### گفتار سوم - احیای مجدد پرسترویکا

بعد از سالها تجربه مدل اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد روسیه در حال فروپاشی است. فساد گسترده و سیاستهای اقتصادی نادرست این کشور را تبدیل به یک ملت فقیر، غارت شده، ناامید، برخوردار از صنایع فرسوده و قدیمی با سرمایه‌گذاری و تحقیقات علمی اندک، تبدیل نموده است. اکنون از هر سه نفر یک نفر زیر خط فقر به سر برده، درآمدهای بالا به ۳ تا ۵ درصد جمعیت اختصاص یافته است.<sup>(۱۳)</sup> مردمی که در ابتدای فروپاشی و روی کار آمدن اصلاح‌طلبان

خواستار رفاه و آسایش بودند، نامیدانه به دنبال یک وعده مواد غذایی هستند. در دوره یلتسین تبهکاری و مافیای سازمان یافته، فساد اداری، جرم و جنایت گسترش یافته، اصلاحات به صورت ظاهری انجام گرفت. در نتیجه الیگارشی موفق شد ۵۰ درصد از اقتصاد را تحت کنترل خود درآورد.<sup>(۱۴)</sup> آنها به سبب برخورداری از ثروت، کنترل رسانه‌های گروهی و مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری، از نفوذ و قدرت عظیم سیاسی برخوردار شده‌اند.<sup>(۱۵)</sup> در سال ۱۹۹۶ یلتسین با حمایت آنها در انتخابات بر رقیب قدرتمند خود زیوگانوف پیروز شد. اتحاد نامقدس آنها با دولت یلتسین هر نوع امیدی را برای انجام اصلاحات از بین برده بود. قدرت آنها به حدی بود که حتی میزان و نحوه پرداخت مالیات به دولت را تعیین می‌کردند. در حقیقت عدم توانایی رهبران ارشد این کشور در زمینه جلوگیری از غارت سرمایه‌های ملی توسط سرمایه‌داران ذی‌نفوذ، تردیدهای جدی در زمینه گسترش بازار آزاد، حاکمیت قانون و دموکراسی به وجود آورده است. برای بسیاری از مردم، دموکراسی به مفهوم جنایت و ناامنی و بازار آزاد، تداعی فساد مالی و ارتشاء است. در دهه گذشته اصلاح‌طلبان در غربی کردن روسیه موفق نشدند و الیگارشی نیز هر سرمایه‌های ملی را که ثبت نشده بود، مخفی و غارت کرد. انتخابات دوما و ریاست‌جمهوری نشان داد که نیروهای اصلاح‌طلب، جایگاه خود را در جامعه از دست داده‌اند و تمایل اکثریت مردم به پوتین نشانگر نارضایتی از تجربه شبه‌آزمون به اصطلاح دموکراتیک و ترجیح نظم و امنیت بود.

بعضی از تحلیلگران مدعی هستند که دولت جدید روسیه تلاش دارد تا با احیای دوباره کنترل‌های دوران شوروی و بازگشت به سیاست پرسترویکا، این کشور را از بحران نجات دهد.<sup>(۱۶)</sup> از نظر آنها بازگشت به اجرای برنامه‌های اقتصادی متمرکز تنها انتخاب ممکن است. چون در ده سال گذشته، درآمد ملی روسیه به نصف تقلیل یافته، اکثر سرمایه‌ها به خارج منتقل شده و سرمایه‌هایی نیز که در داخل کشور باقی مانده‌اند در کارهای غیرقانونی و مخرب به کار گرفته شده‌اند.

## واقعیت پرسترویکا

تا حدود زیادی مشکلات کنونی روسیه، ریشه در اوایل دهه ۸۰ دارد؛ وقتی که دولتمردان نظام شوروی به این نتیجه رسیدند که با اقتصاد متمرکز و راقد قادر به رقابت با اقتصاد پیشرفته کشورهای غربی نیستند؛ لذا اقدام به ایجاد تغییرات گسترده در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کردند. در اوایل دهه هشتاد «کا.گ.ب» هشدار داد که غرب به سرعت در حال پشت سر گذاشتن این کشور در تکنولوژی‌های نظامی و غیرنظامی است و ممکن است کرملین جنگ سرد را ببازد. به دنبال آن برنامه‌های پرسترویکا و گلاسنوست به مورد اجرا گذاشته شد تا با تغییرات ساختاری در روابط با غرب، ضمن حفظ رژیم حاکم در قدرت، نسبت به جذب سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی اقدام نماید.<sup>(۱۷)</sup>

در اوایل سال ۱۹۸۴ یک گروه منتخب از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست، افسران عالی‌رتبه «کا.گ.ب» و برخی افراد مورد اعتماد در وزارت بازرگانی مأمور شدند تا با طرح‌ریزی برنامه پرسترویکا و ایجاد زیرساخت‌های جدید اقتصادی به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی اقدام کنند. افسران «کا.گ.ب» در شرکتها و سازمانهای جدیدی که در این راستا ایجاد شده بود؛ در پستهای کلیدی گمارده شدند تا روند مذکور را از نزدیک هدایت کنند. طبق قوانین جدید، سرمایه‌گذاران خارجی موظف شدند یک شریک روسی برای خود انتخاب نمایند که این شریک جزو اعضای «کا.گ.ب» بود.<sup>(۱۸)</sup> این امر موجب شد تا شرکتهای خارجی در همکاری با شرکای روسی خود دچار تردید شوند. اما نقاط ضعف اساسی پرسترویکا بزودی روشن شد. در حالی که درهای اقتصادی این کشور به روی کشورهای خارجی باز می‌شد؛ حزب کمونیست کنترل خود را بر اداره امور از دست می‌داد. از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ صدها میلیارد دلار از سرمایه ملی این کشور به خارج منتقل شد که این موج خروج سرمایه از زمان سقوط تزار نیکلای دوم بی‌سابقه بود. با اثبات عملی ناکارآمدی تئوری‌های اقتصادی اصلاح‌طلبان در عمل و فروپاشی اقتصاد این کشور، یلتسین تصمیم گرفت تا دوباره به نوعی به اجرای برنامه‌های

متمرکز باز گردد. او که یک بار در اوایل دوران حکومت خود، نقش عمده‌ای در حذف نیروهای معتقد به برنامه‌های مذکور را داشت، مجبور شد دوباره زمینه به قدرت رسیدن آنها را فراهم سازد. انتخاب پریماکوف به سمت نخست‌وزیری که در حقیقت شاگرد پرسترویکا بود، آینده سیاسی روسیه را رقم زد. اگرچه او بعد از مدت کوتاهی برکنار شد؛ اما توانست با انتصاب اعضای سابق حزب کمونیست در پست‌های عالی‌رتبه دولتی، موقعیت الیگارشی را تا حدود زیادی تضعیف نماید. برخی از این افراد همچون یوری اسکوراتف<sup>۱</sup> توانستند در خصوص فساد افرادی همچون برزوفسکی<sup>۲</sup> که از اعضای قدرتمند الیگارشی است، اقامه دعوی نمایند. انتخاب پوتین در ۱۹ آگوست ۱۹۹۹ به نخست‌وزیری آخرین گام برای بازگشت به سیاست پرسترویکا بود. اکنون پرسترویکا که یک بار زمینه‌های فروپاشی این کشور را فراهم کرد؛ فرصت پیدا کرده تا دوباره شانس خود را امتحان کند. پرسترویکا به چین به عنوان یک مدل موفق می‌نگرد که توانسته است ضمن حفظ نظم و کنترل، میلیاردها دلار سرمایه غربی را جذب نموده، اقتصاد خود را شکوفا سازد.

### گفتار چهارم - سیاست خارجی روسیه

با انتخاب رئیس جمهور جدید، اکنون این سؤال مطرح است که آینده سیاست خارجی روسیه به چه سمت و سوئی سوق پیدا خواهد کرد؟ آیا سرسخت و غیرقابل انعطاف خواهد بود یا میانه‌رو؟ آیا کرملین تنها روابط خود را با شرق یا غرب هردو گسترش خواهد داد؟ یا به‌طور کلی روابط با دیگر کشورها محدود خواهد شد؟ بررسی سخنان و عملکرد پوتین در چند ماه گذشته نشان می‌دهد که سیاست خارجی دولت او مبتنی بر درک واقع‌بینانه‌ای از شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و بدون خیال‌پردازی استوار است.<sup>(۱۹)</sup> او فردی فاقد ایدئولوژی، بسیار منعطف و عملگرا است. هدف او تبدیل روسیه به یک کشور قدرتمند، دفاع از منافع ملی و حیاتی و کسب

1. Yuri Skuratov

2. Berezovski

15. Stratfor Intelligence Service, «Russia 2000», *In the Internet*, 10 October 1999.
16. Ibid.
17. Ibid.
18. Vladimir Kozin, *The Moscow Times*, No, 1931, 1 April 2000.
19. *Global Intelligence Update*, «After the Election: Putin's plans for Russia», 27 March 2000.
20. *Oxford Analytica Daily Brief*, «Russia: Start II Ratification», 20 April 2000.
21. Alexander Pikayev, CTBT Ratification might face unexpected delays, Carnegie Moscow Center, in the Internet, 23 April 2000.
22. New Jersey Online: News flash, the Associated Press, 3/6/2000, or *Oxford Analytica Daily Brief*, «United State: Putin Prognosis», 28 March 2000.



فرصت بسیار مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد تا با توجه به موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک و متناسب با منافع ملی از روند در حال تکوین در منطقه و رقابت آمریکا و روسیه نهایت استفاده را به عمل آورد و بدون اینکه ناخواسته به ابزار سیاست خارجی روسیه در مقابل آمریکا تبدیل شود؛ راهبرد مناسب خود را تنظیم نماید.

### گفتار پنجم - چالشهای عمده فراروی دولت جدید روسیه

با انتخاب پوتین، روسیه مرحله نوینی از تاریخ خود را آغاز کرد. در این مرحله شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌ها ما را در فهم بهتر تحولات کمک می‌کند. با توجه به واقعیات موجود در این کشور، احتمالاً پوتین با دو مشکل عمده در دوران حکومت خود مواجه خواهد شد.

#### الف) الیگارش‌ی

یکی از چالشهای دولت جدید، تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی از طریق کنترل الیگارش‌ی و هدایت سرمایه و پولهای سرگردان در جامعه به سمت سرمایه‌گذاری و انجام فعالیتهای سودمند اقتصادی است. عدم برخورداری از یک سیستم کارآمد حقوقی به منظور پاسخگویی به نیازها و انتظارات و فقدان فرهنگ تاریخی لازم جهت تحقق بازار آزاد، موجب خروج سرمایه از این کشور شده است و سرمایه‌هایی نیز که در داخل باقی مانده، با انجام اقدامات غیرقانونی و مخرب و با خرید مطبوعات و رسانه‌های گروهی به‌عنوان یک ابزار قدرت سیاسی برای رسیدن به اهداف خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. (۲۰)

پوتین دو ابزار برای کنترل الیگارش‌ی دارد:

۱. وی می‌تواند با جذب الیگارش‌ی در ساختارهای قدرت و سرویسهای امنیتی، زمینه عقلانی‌تر کردن رفتار آنها را فراهم سازد. در این صورت آنها ضمن برخورداری از قدرت، از منافع سرمایه خود نیز سود خواهند برد. تاریخ این کشور مملو از تغییر جایگاه اجتماعی نخبگان است.

کرد. اگر آسیای استیفوقیان قدرت خود را به دست بیاورد، ناظران می‌توانند بگویند که این کشور، شباهت‌های تأمل‌برانگیزی و واقع‌گرایانه با ایالات متحده دارد. با این حال، به نظر می‌رسد که روسیه در این منطقه، به خصوص در آسیای مرکزی، به دنبال اهدافی است که فراتر از اهداف دفاعی است. این کشور به دنبال ایجاد یک منطقه نفوذ است که به او امکان دهد تا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود. این امر به معنای آن است که روسیه به دنبال دستیابی به یک منطقه نفوذ است که به او امکان دهد تا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود. این امر به معنای آن است که روسیه به دنبال دستیابی به یک منطقه نفوذ است که به او امکان دهد تا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود.

نتیجه

ب) تأمین امنیت منطقه ای کامونیسیم، روسیه میان انتخاب دو راهکار یعنی بازگشت به اصول و ریشه‌های و مقید به مصالحات است. این امر به معنای آن است که روسیه به دنبال دستیابی به یک منطقه نفوذ است که به او امکان دهد تا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود. این امر به معنای آن است که روسیه به دنبال دستیابی به یک منطقه نفوذ است که به او امکان دهد تا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود. این امر به معنای آن است که روسیه به دنبال دستیابی به یک منطقه نفوذ است که به او امکان دهد تا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود.

کنترل‌های سابق، برقراری نظم و امنیت و با تصویر چهره‌ای مسالمت‌جویانه و صلح‌طلبانه در  
1. National Missile Defence 2. Anti Ballistic Missile

سیاست خارجی نسبت به جذب سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی اقدام کرده، اقتصاد این کشور را شکوفا سازند. بازگشت به خصوصیت اسلاوگرایی و اعمال کنترل‌های سابق به معنای بازگشت به گذشته نیست، بلکه خط‌مشی اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی نیز ادامه خواهد یافت؛ ولی این روند جنبه شوک‌دهنده نخواهد داشت. در سیاست خارجی نیز روسیه تلاش خواهد کرد تا با ایجاد تعادل در روابط خود با شرق و غرب ضمن استفاده از کمک‌های غرب با ابزار شرق، کارشکنی‌های غرب را در ظهور روسیه‌ای قدرتمند خنثی سازد.

#### یادداشتها

1. Stratfor Intelligence Service, «Russia 2000», *In the Internet*, 10 October 1999.
2. Ibid.
3. Ibid
4. Ibid.
5. *Moscow Times*, With an Energetic New Tezar, 23 March 2000.

۶. هنری مایر، *ایتار تاس*، ۲۷ مارس ۲۰۰۰.

۷. الکساندر والوشین، برنامه خبری *ورمیا*، شبکه تلویزیونی *اوارت*، مورخ ۷۹/۱/۸.

8. *Oxford Analytica Daily Brief*, «Russia: Oligarchical Question», 27 March 2000.
9. Ibid.
10. *Oxford Analytica Daily Brief*, 27 March 2000.
11. *Oxford Analytica Daily Brief*, «Russia: Center Regional Reform, 4 April 2000.
12. Ibid.

۱۳. لس ولسکی، دو هفته‌نامه *قارن افروز*، مارس و آوریل ۲۰۰۰.

14. Ibid.



۲. با استفاده از قدرت دستگاههای امنیتی، آنها را مجبور به اطاعت نماید. اما پوتین واقف است که الیگارشی نفوذ زیادی در ساختارهای قدرت و به خصوص سرویسهای امنیتی دارد. لذا هرگونه اقدام نسنجیده و شتابزده، موقعیت وی را متزلزل خواهد ساخت. او تلاش می‌کند تا با تحریک احساسات ناسیونالیستی مردم و ترسیم چهره‌ای از خود که به دنبال منافع ملی و کسب جایگاه گذشته این کشور است؛ جامعه را در راستای اهداف خود بسیج نماید. جنگ چچن بهترین فرصت برای تحقق این هدف می‌باشد. انتظار می‌رود تا زمانی که مشاورین پوتین یک برنامه جامع اقتصادی برای بهبود اقتصاد این کشور تدوین نکرده‌اند، این استراتژی دنبال شود.

### ب) تأمین امنیت ملی

دومین چالش عمده، تأمین امنیت ملی در برابر یکه‌تازی‌های ایالات متحده و تلاش برای همسطح کردن دوباره روسیه با غرب است. مبارزه اصلی در مورد طرح دفاع موشکی ملی آمریکا (NMD)<sup>۱</sup> و تصمیم این کشور به نقض پیمان ABM<sup>۲</sup> است؛<sup>(۲۱)</sup> طرح ضد موشکی که هرگونه حمله گسترده اتمی به خاک این کشور را خنثی خواهد کرد. آمریکا مدعی است که این پروژه علیه روسیه نیست و به دلیل تهدیدات موشکی برخی کشورهای مخالف واشنگتن، نظیر کره شمالی، عراق و ایران است که به دنبال توسعه سیستم‌های موشکی خود هستند. اما از دیدگاه مسکو این طرح به منظور برهم زدن برابری استراتژیک دو کشور و تبدیل روسیه به یک قدرت درجه دوم است. تحقق این برنامه، روسیه را از نظر امنیتی در موقعیت متزلزل و شکننده‌ای قرار خواهد داد؛ زیرا سلاحهای هسته‌ای، کلیدی‌ترین وسیله دفاع از منافع و امنیت ملی این کشور است. تصویب پیمان استارت ۲ در دومای این کشور در این راستا قابل تحلیل است. پوتین سعی دارد تا با در انفعال قرار دادن ایالات متحده و جدایی انداختن بین این کشور و متحدین اروپایی

1. National Missile Defence

2. Anti Ballistic Missile

این سیاست‌ها خود منوط به تغییر در ساختار سیاسی و اقتصادی روسیه است. روسیه با اتخاذ این سیاست‌ها به پیش‌قدمی برای بازگرداندن جایگاه خود در منطقه و به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز است. این سیاست‌ها به گونه‌ای تدوین شده است که به روسیه امکان دهد تا به‌طور فزاینده‌تری در منطقه حضور داشته باشد. این سیاست‌ها به گونه‌ای تدوین شده است که به روسیه امکان دهد تا به‌طور فزاینده‌تری در منطقه حضور داشته باشد. این سیاست‌ها به گونه‌ای تدوین شده است که به روسیه امکان دهد تا به‌طور فزاینده‌تری در منطقه حضور داشته باشد.

2. Ibid.

3. Ibid

4. Ibid.

### ج) واکنش غرب

با انتخاب پوتین، کشور غربی در 23 مارس 2000 اعلام کرد که با این تغییر در قدرت مرکزی روسیه، روسیه به‌طور فزاینده‌تری در منطقه حضور خواهد داشت. این تغییر در قدرت مرکزی روسیه، روسیه به‌طور فزاینده‌تری در منطقه حضور خواهد داشت. این تغییر در قدرت مرکزی روسیه، روسیه به‌طور فزاینده‌تری در منطقه حضور خواهد داشت.

جایگاه باشکوه گذشته بازگرسه بین المللی است. *In the Internet*, 10 October 1999. [Stratfor Intelligence Service, Russia 2000](#).

16 تناقضاتی مواجه می باشد از یک سو براساس نیازها و الزامات داخلی به سمت تقویت گرایشها و حرکت می کند که مورد پذیرش غرب نیست؛ ولی در عین حال برای تأمین بازسازی اقتصادی و تکنولوژیک خود نیازمند کمکهای غرب است. *The Moscow Times*, No. 1931, 1 April 2000. [Vladimir Kozlov](#).

18 در یافته که سیاست غرب و به خصوص ایالات متحده، چهار و پنج دلیل این کشور به یک قدرت بزرگ دوم در صحنه جهانی است. از این رو روسی توان گفت که استراتژی پوتین استراتژی روسیه است. *Oxford Analytica Daily Brief*, «Russia: Start II: Ratification», 29 April 2000.

20 به غرب توجیهی و استراتژی و استراتژی و استراتژی پوتین در شرق خواهد بود. *Alexander Pikavsky*, «FTBT Ratification might face unexpected delays», *Carnegie Moscow Center in the Internet*, 23 April 2000.

22 قدرتمند را خنثی ساخت. بنابراین می توان انتظار داشت که روسیه در آینده یک قدرت جهانی مسالمت جوینه تری اتخاذ کرده، تماسهای بین المللی خود را با دیگر کشورها و با خصوصاً جهان غرب به منظور ادغام در اقتصاد جهانی و سازمانهای مالی و اقتصادی بین المللی افزایش دهد. تصویب پیمان استارت ۲، توسط دوما، انجام سفرهای مکرر رئیس جمهور این کشور به کشورهای غربی و بیان سخنان مسالمت جوینه در این راستا قابل ارزیابی است.

نکته مهمی که باید در ارزیابی سیاست خارجی روسیه به آن توجه شود، این واقعیت است که پوتین در راهبرد کاهش تنش با غرب، احساسات ملی گرایی روسها را نیز مدنظر قرار می دهد. اکنون شاهد رشد گرایشهای ملی گرایانه با هدف حفظ تمامیت ارضی فدراسیون روسیه هستیم؛ گرایشهایی که در هر صورت بر دیپلماسی این کشور به خصوص در مناطق پیرامونی تأثیر خواهد گذاشت و مسکو بسیار فعال تر از گذشته در این مناطق عمل خواهد کرد. ظهور ناسیونالیسم جدید روسی، کرملین را در مناطق پیرامونی به تقابل با آمریکا نخواهد کشاند، بلکه نوعی رقابت منافع بر روابط دو کشور حاکم خواهد شد. این کشور به منظور تقویت موضع خود در برابر غرب به کشورهایی چون هند، چین و ایران نزدیک تر می گردد. اما گسترش روابط با این کشورها تا حدی تداوم می یابد که منافع راهبردی روسیه را با غرب تحت تأثیر قرار ندهد. این امر

فرصت بسیار مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد تا با توجه به موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک و متناسب با منافع ملی از روند در حال تکوین در منطقه و رقابت آمریکا و روسیه نهایت استفاده را به عمل آورد و بدون اینکه ناخواسته به ابزار سیاست خارجی روسیه در مقابل آمریکا تبدیل شود؛ راهبرد مناسب خود را تنظیم نماید.

### گفتار پنجم - چالشهای عمده فراروی دولت جدید روسیه

با انتخاب پوتین، روسیه مرحله نوینی از تاریخ خود را آغاز کرد. در این مرحله شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌ها ما را در فهم بهتر تحولات کمک می‌کند. با توجه به واقعیات موجود در این کشور، احتمالاً پوتین با دو مشکل عمده در دوران حکومت خود مواجه خواهد شد.

#### الف) الیگارش‌ی

یکی از چالشهای دولت جدید، تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی از طریق کنترل الیگارش‌ی و هدایت سرمایه و پولهای سرگردان در جامعه به سمت سرمایه‌گذاری و انجام فعالیتهای سودمند اقتصادی است. عدم برخورداری از یک سیستم کارآمد حقوقی به منظور پاسخگویی به نیازها و انتظارات و فقدان فرهنگ تاریخی لازم جهت تحقق بازار آزاد، موجب خروج سرمایه از این کشور شده است و سرمایه‌هایی نیز که در داخل باقی مانده، با انجام اقدامات غیرقانونی و مخرب و با خرید مطبوعات و رسانه‌های گروهی به عنوان یک ابزار قدرت سیاسی برای رسیدن به اهداف خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. (۲۰)

پوتین دو ابزار برای کنترل الیگارش‌ی دارد:

۱. وی می‌تواند با جذب الیگارش‌ی در ساختارهای قدرت و سرویسهای امنیتی، زمینه عقلانی‌تر کردن رفتار آنها را فراهم سازد. در این صورت آنها ضمن برخورداری از قدرت، از منافع سرمایه خود نیز سود خواهند برد. تاریخ این کشور مملو از تغییر جایگاه اجتماعی نخبگان است.